اصلاحات در کشورهای در حال گذر

در طول 6 سال گذشته،اقتصادهای‏ در حال گذر منطقهء بالتیک،روسیه،و سایر کشورهای اتحاد شوروی سابق- برای انتقال از نظام اقتصادی متمرکز به‏ نظام بازارگرا-با مسائل اقتصادی‏ پیشبینی نشده‏ای روبرو بوده‏اند.در بررسی‏ که توسط صندوق بین المللی پول انجام‏ شده آمده است که:در طول سال 1994 اینگونه تلاشها به نتایج گوناگونی‏ منجر شده و موفقیت در تثبیت و اصلاحات‏ بایکدیگر درآمیخته است.امیدهای‏ فراوانی که به خاطر دگرگونی سریع‏ در کشورهای این منطقه ایجاد شده بود جای خود را به این نگرش داد که تغییر شکل سیستماتیک به درازا خواهد کشید شواهد بطور آشکار نشان می‏دهد که‏ حملهء آنی به تورم همراه با بکارگیری‏ استراتژی اصلاحات جامع و منسجم منافع‏ زیادی در بر داشته است."یافته‏های مهم‏ این بررسی،که براساس رویدادها و پیشرفتهای سالهای منتهی به 1994 تهیه شده است،بشرح زیر می‏باشد:

کسب موفقیت در زمینه تثیت‏ و اصلاحات ساختاری آهسته بوده است. از 15 کشور مورد بحث 5 کشور-در حوزهء بالتیک-جمهوری قرقیرستان و مولداوی- بیشترین موفقیت را به دست آورده‏اند. در سایر نقاط،تورم به نحو چشمگیری‏ بالا بوده است.از نظر ساختاری،کشورهای‏ بالتیک،جمهوری قرقیزستان و فدراسیون‏ روسیه گامهای مهمی درجهت حذف موانع‏ رشد و پیشرفت بهره‏وری برداشته‏اند.ولی‏ در سایر کشورها،تحولات ساختاری‏ با پیشرفت اندکی روبرو بوده است.

ثبات و تغییر ساختاری با کاهش‏ چشمگیر تولید در سرتاسر منطقهء فوق‏ همراه بوده است.

دولتهای حوزهء بالتیک-استونی،لیتونی‏ و لیتووانی-به خاطر تلاشهای موفقیت‏ آمیزشان برای اجرای سیاستهای مالی و پولی سخت و همچنین اصلاحات‏ ساختاری فراگیر،جلوتر از بقیه در فرایند گذار قرار دارند.

پیشرفتهای سال 1995-که مربوط به‏ دورهء بعد از این بررسی است-از بسیاری‏ جهات بهتر از پیشرفتهای سالهای‏ 4-1992 بوده است،از جمله می‏توان‏ پیشرفت در زمینهء تثبیت و اصلاحات‏ ساختاری را نام برد.این تلاشهای پایدار در عین حال باعث ثبات قیمتها و رشد تولید شده است.براساس برآوردهای‏ اولیه،از 15 کشور منطقهء پیشگفته 6 کشور در سال 1995 دارای رشد مثبت خواهند بود،درحالی‏که در 11 کشور نرخ تورم‏ در سطح نسبتا پایین 2 رقمی قرار خواهد داشت.

مسائل اصلی در فرآیند گذار

در بررسی صندوق بین المللی پول 6 موضوع کلی زیر ارزیابی شده که موجب‏ شکل گرفتن فرایند انتقال از اوایل دههء 1990 بوده است:کاهش تولید،افزایش‏ تورم،بدهیهای معوقهء بین واحدها،کاهش‏ درآمد عمومی،نقش نرخهای ارز،و تأثیر کمکهای مالی خارجی.در زیر بشرح آنها می‏پردازیم:

کاهش تولید

براساس بررسی صندوق بین المللی پول‏ عوامل داخلی و خارجی مسبب کاهش‏ چشمگیر تولید در سرتاسر منطقهء مورد بحث بوده است.عدم هماهنگی دولت‏ در فعالیتهای اقتصادی باعث گسستگی‏ در عرضهء تولیدات و مشکلات بازاریابی‏ برای شرکتهای شده است.براساس بررسی‏ مذبور،یکی دیگر از موانع افزایش‏ تولید تأخیر در استفاده از ظرفیت جدید و مولد صنایع نوپا بوده است.

از میان عوامل خارجی که نقش مهمی‏ در کاهش تولید کشورهای با برنامه‏ریزی‏ متمرکز ایفا کرده‏اند می‏توان از کاهش‏ مقررات سنتی تجاری و قطع سوبسیدهای‏ فراگیر برای انرژی و مواد خام مربوط به آزاد سازی تجارت خارجی نام برد.این‏ رویدادها همراه با خسارت ناشی از شورای‏ پیشین کمک متقابل اقتصادی( CMEA )" به بازارهای صادرتی موجب بروز ضربهء خارجی چشمگیری شد.

تورم و سرعت گردش پول

مشکل عمده‏ای که رودرروی کشورهای‏ اصلاح‏طلب حوزهء بالتیک،روسیه‏ و سایر کشورهای اتحاد شوروی سابق‏ قرار دارد،نرخ تورم بسیار بالا و متغیر حاکم‏ بر آنهاست.تورم در این منطقه ارتباط تنگاتنگی با رشد پول داشته است.کاهش‏ تدریجی و اساسی این رشد و دستیابی به‏ نرخ بهرهء واقعی مثبت می‏تواند به کاهش‏ تورم منجر شود.در بررسی صندوق‏ بین المللی پول پیشنهاد شده است که‏ با اجرای یک استراتژی بسیار روشن‏ مالی،پول رایج کشورها بسرعت تقویت‏ شود.

اقتصاد معوقه بین واحدها

بسیاری از واحدها در کشورهای در حال‏ گذر مطالبات خود را از بابت کالا و خدمات‏ ارائه شده به یکدیگر بموقع دریافت‏ نکرده‏اند،اینگونه بدهیهای معوقه که‏ نمایانگر فقدان انضباط مالی است‏ می‏تواند سرمایه‏گذاری و خصوصی‏سازی‏ را فلج کند،و در عین حال اجرای‏ سیاستهای جسورانهء اقتصادی کلان را تحت تأثیر قرار دهد.

در بررسی صندوق بین المللی پول تاکید شده است که حل مؤثر مشکل بدهیهای‏ معوقهء بین واحدها ارتباط مستقیم-و اجتناب ناپذیر-با افزایش سلامت مالی‏ و نظم واحدها دارد.به اعتقاد نویسندگان‏ این بررسی،آسانترین و مؤثرترین وسیله‏ برای انجام این کار ایجاد فضای اقتصاد کلان با ثبات است که پشتیبان یک نظام‏ بانکداری قدرتمند باشد و مقررات حقوقی‏ و نهادی مانند ورشکستگی را در بر بگیرد.

کاهش درآمدها

از زمان تجزیهء اتحاد شوروی،وضع‏ درآمدهای کشورهای بالتیک،روسیه‏ و سایر کشورهای اتحاد شوروی سابق بدتر شده است.دلیل اصلی آن را می‏توان در مشکلات مربوط به دریافت مالیاتها و سایر عواملی جستجو کرد که با قوانین و مقررات دولتی هماهنگی ندارد.

در بررسی صندوق آمده است که برخورد مؤثر با مسئله درآمدها یک وظیفه پیچیده‏ و دشوار است.مؤثرترین اصلاحات‏ در کوتاهترین مدت عبارت خواهد بود از افزایش درآمدهای مالیاتی از بخشهایی‏ در کشور که از لحاظ تئوری در تور مالیاتی‏ قرار دارند-و در آغاز باید با کشاورزی شروع‏ شود.

نرخ ارز

کشورهای در حال گذر توجه به ویژه‏ای به ترتیبات نرخ ارز ثابت در برابر نرخ ارز انعطافپذیر معطوف داشته‏اند.در بررسی‏ صندوق بین المللی پول به تعدادی‏ از عواملی که بنفع رهیافتهای نرخ ارز ثابت‏ می‏باشد اشاره شده است.برای مثال،نرخ‏ ارز ثابت نسبت به نرخ ارز انعطافپذیر می‏تواند تعهد بیشتری در برابر تعدیل‏ مالی بوجود بیاورد.البته،اتخاذ چنین‏ سیاستی خطرات بالقوه‏ای نیز به همراه‏ دارد،که یکی از آنها ممکن است برخورد مداوم کشورها با شوکهاای بزرگ خارجی‏ باشد که در یک نظام دارای نرخ ارز انعطافپذیر بهتر تحمل می‏شود.

باوجوداین ابهامات و تجربهء گوناگون‏ کشورهای منطقهء پیشگفته،صندوق‏ بین المللی پول رهیافت مورد به مورد را همراه با استراتژی تثبیت پیشنهاد می‏کند که وضعیت مالی،تعهد برای ایجاد ثبات،کفایت ذخایر رسمی،و ماهیت و اندازهء ضربه‏هایی که احتمال وقوع آنها می‏رود در نظر گرفته شده است.تا امروز، بیشتر برنامه‏های مالی که با کمک منابع‏ صندوق بین المللی پول اجرا شده تا حدی‏ مستلزم انعطافپذیری نرخ ارز بوده است. در نتیجه‏گیری بررسی مذبور بر این نکته‏ تاکید شده است که مشکلات سیاسی‏ و اقتصادی منطقهء مورد بحث بطور غیر عادی زیاد است،که در نتیجه باید رهیافت سیاستی مورد ارزیابی مجدد و مداوم قرار بگیرد.

کمک مالی خارجی

موضوع کمک مالی خارجی با توجه به‏ پرسشهای زیر مطرح می‏شود:آیا کمک‏ مالی در شرایط و زمان مناسب انجام‏ می‏شود؟،آیا این کمک کافی‏ است؟،آیا کمک مالی بدرستی تامین‏ می‏شود؟،آیا این کمک قابل بازپرداخت‏ است؟،و در مورد مشکلات تامین مالی‏ دولتهای منطقه چه باید کرد؟،در زیر یک‏ یک موارد بالا بحث می‏شود:

شرایط دریافت کمک

صندوق بین المللی پول با توجه به دورهء 93-1992در بررسی خود نتیجه می‏گیرد که رویهم رفته بیشترین حمایت رسمی از کشورهایی صورت گرفته است که در تثبیت پول رایج خود و اتخاذ اصلاحات‏ عمیق بازارگرا به موفقیت اولیه دست‏ یافته‏اند(مانند استونی،لتونی و لیتوانی)و کمترین کمک به کشورهایی تخصیص‏ یافته بود که در طرف مقابل این اقدامات‏ قرار داشتند(مانند اوکراین،روسیه سفید و ازبکستان).شواهد گوناگون عمدتا مربوط به روسیه است.به رغم کمک‏ رسمی و واقعی صندوق بین المللی پول‏ از روسیه(نسبت به تولید ناخالص داخلی‏ و نسبت به سایر کشورها)،موفقیت‏ سیاستی این کشور بسیار شکننده‏ و بی‏ثبات بوده و نتوانسته است مانع‏ از خروج فراگیر سرمایه‏های خصوصی‏ در طول دورهء مورد بررسی شود.

کفایت

در این بررسی نتیجه گرفته شده است که‏ حجم کمکهایی که به روسیه و چند کشور دیگر تخصیص یافته در مقایسه با"طرح‏ مارشال آمریکا برای بهبود اوضاع‏ اروپا"در بعد از جنگ دوم جهانی مطلوب‏ بوده است.کمک 13 میلیارد دلاری آمریکا در طرح مارشال برابر بود با 5/2 درصد از تولید ناخالص داخلی سالانهء اروپا و در حدود 5/1 درصد از تولید ناخالص داخلی‏ سالانهء آمریکا.در مقایسه با این ارقام، باید گفت که تولید کمکهای مالی و رسمی‏ جدید-از جمله کمک چشمگیر صندوق‏ بین المللی پول-بالغ بر 4درصد از تولید ناخالص داخلی روسیه در سال 1992 و 6 درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای‏ حوزهء بالتیک می‏شد.در هر صورت،مشکل‏ بتوان استدلال کرد که قابلیت دستیابی به‏ تامین مالی رسمی تاکنون مانع فرایند اصلاحات در این کشورها بوده است.

مناسب بودن

نویسندگان این بررسی معتقدند که‏ با توجه به نوع و شرایط مناسب کمکهای‏ مالی،بنظر می‏رسد که سوابق یکدست‏ نباشد.تراز پرداختها و تامین مالی‏ برنامه‏های تعدیل ساختاری ظاهرا"در جهت هدفهای درست چندان مناسب‏ نبوده‏اند.با این حال،با توجه به آسیب‏ پذیری وضعیت تراز پرداختهای‏ کشورهای منفرد می‏باید شرایط بازپرداخت طولانی‏تر شود.

بازپرداخت

پیشبینی تراز پرداختهای میان‏مدت‏ نشان می‏دهد که اوضاع این تراز پرداختها در چند سال آینده برای بسیاری از کشورهای منطقه-بویژه واردکنندگان‏ انرژی به جز حوزهء بالتیک-دشوار خواهد بود.در بررسی مذبور،دو عامل مهم در این‏ مورد عنوان شده است:نخست،موفقیت‏ سیاستها در ایجاد ثبات شرایط پولی در کشورهای موردنظر؛و دوم،توانایی‏ کشورهای دریافت‏کننده کمک مالی برای‏ تغییر مسیر صادرات خود بسوی بازارهای‏ جهانی و افزایش ظرفیت تولید داخلی.

مناطق

روسیه و ترکمنستان به خاطر دریافت‏ انرژی از اوکراین و روسیهء سفید با انبوهی‏ از بدیهای سنگین به این دو کشور روبرو هستند.این نوع اقساط معوقه میان‏ دولتها تهدیدی برای توسعهء روابط عادی‏ تجاری و مالی آنها بشمار می‏آید.اگر مشکل این بدهیها حل نشود ممکن است‏ تلاش کشورها برای جلب حمایتهای‏ مالی صندوق بین المللی پول یا هر سازمان‏ اعتباردهندهء دیگری بیهوده باشد.

روسیه‏ و صندوق بین المللی پول

در نتیجه‏گیری این بررسی،نقش‏ صندوق بین المللی پول در حمایت از ثبات‏ اقتصاد کلان روسیه بحث شده و اشاره می‏کند که به رغم موانع بزرگ در این‏ کشور،کارهای بسیار زیادی در چند سال‏ گذشته انجام شده است که می‏توان از آزادسازی قیمتها،تبدیل‏پذیری روبل، و لغو برنامه‏ریزی متمرکز نام برد.

با این حال،موفقیت آسان به دست‏ نیامده است.در طول این سالها،نمایندگان‏ بیمار ولی قدرتمند،انحصارهای دولتی‏ و مناطق جغرافیایی جزو مخالفان‏ اصلاحات و برنامه‏های تثبیت بودند. براساس بررسی مذبور،در طول سالهای‏ 94-1992،چندین بار برنامه‏های‏ اصلاحی روسیه بدلیل تضادهای موجود با شکست مواجه شد.افراد سودجو که به‏ تداوم نظام قدیمی علاقه داشتند از نفوذ و قدرت سیاسی چشمگیری برخوردار بودند و با پیدایش نخستین نشانه‏های‏ موفقیت برنامه‏های اصلاحی بسرعت به‏ مخالف پرداختند.بطور کلی،ریشه‏های‏ اصلی مخالفت با"ثبات کلان‏"بیشتر جنبهء سیاسی داشت.

بررسی پیشرفتهای کلی روسیه از آن‏ تاریخ تاکنون نشان می‏دهد اصلاح‏طلبان‏ این کشور توصیه‏های سیاستی صندوق‏ بین المللی پول را بنحو چشمگیری‏ پذیرفته و پیگیری کرده‏اند.